فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۵، صفحات ۱۲۷- ۱۴۹

بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تبیین مشارکت ورزشی (مورد مطالعه: زنان استان ایلام)

علی نورعلی وند[۱]، امیر ملکی[۲]، مهربان پارسامهر[۳]، حمید قاسمی[٤]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تبیین مشارکت ورزشی زنان است. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش انجام گرفته و داده‌های مورد نظر از طریق پرسش‌نامه جمع-آوری، استخراج و تحلیل شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل زنان ۱۹ سال و بالاتر استان ایلام و حجم نمونه نیز ۵۰۰ نفر بوده است. نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای شناسایی و داده‌ها از آن‌ها جمع‌آوری شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون مدل تحقیق، از رگرسیون تک‌متغیّره و مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos بهره گرفته شده است. نتایج نشان داده که زنان استان ایلام به ترتیب در ورزش حرفه‌ای (۱۵ درصد)، ورزش منظّم (۱۸/۸ درصد)، ورزش سلامت‌محور (۱۷ درصد)، ورزش تفریحی (۱۵/۲ درصد) و فعّالیّت بدنی کم و نامنظّم (۸ درصد) مشارکت دارند. هم‌چنین ۲٦ درصد از زنان هیچ فعّالیّت ورزشی‌ای ندارند. علاوه بر این، نتایج تحلیلی تحقیق حاکی از آن است که مشارکت اجتماعی (عضویّت سازمانی و شبکه‌ی روابط) با ضریب هم‌بستگی ۰/۵۱۸ و اعتماد اجتماعی (بین شخصی، تعمیم‌یافته و مدنی و نهادی) با ضریب هم‌بستگی ۰/٦۰۵ توانسته‌اند در مجموع به‌طور معناداری تا ۰/۵۹ از واریانس مشارکت ورزشی زنان را پیش‌بینی کنند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مشارکت ورزشی.

[۱] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده‌ی مسؤول) alinooralivand@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور a_maleki@pnu.ac.ir
[۳] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد parsamehr@yazd.ac.ir
[٤] دانشیار گروه تربیت بدنی دانشگاه پیام نور ghasemione@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدّمه و بیان مسأله

ورزش و جامعه دارای الگوهای ارزشی و به‌اصطلاح پیکربندی‌های رفتاری مشترک هستند. تحوّل و دگرگونی ورزش، خارج از جامعه صورت نمی‌گیرد، بلکه توسعه‌ی آن در پیوند نزدیک با محیط اجتماعی که کنش در درون آن انجام می‌شود، تحقّق می‌یابد. در واقع، ورزش بازتاب‌دهنده‌ی روابط اجتماعی جامعه است. واقعیّت ورزش به‌منزله‌ی محصول کنش انسان، در ارتباط با فرایندهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی قرار دارد. ساختارها و فرایندهای ورزشی حاصل سازگاری و توافق و در نتیجه دارای ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. بازتاب خصلت فرهنگی و اجتماعی ورزش را می‌توان در نمونه‌های ورزشی خاص و نمودهای آن در ارتباط نزدیک با جامعه مشاهده کرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت ورزش بیان نظام فرهنگی-اجتماعی جامعه‌ای است که از بستر آن برخاسته است (ویس، ۱۳۸۹: ۳۶).

بخش‌هایی از جامعه‌ی زنان ایلام هنوز هم تحت‌تأثیر باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های روییده در بستر فرهنگی جامعه‌ی ایلام، جنس دوم (ضعیف) خوانده می‌شوند و مشارکت فعّالی در فعّالیّت‌های اجتماعی و فرهنگی ندارند. البتّه تحت‌تأثیر تغییرات فرهنگی ایجاد شده در سال‌های اخیر ناشی از افزایش مراکز آموزش عالی در استان، دسترسی به برنامه‌های تلویزیونی، افزایش شبکه‌های ارتباطی و نیز استفاده‌ی گسترده از اینترنت، بسیاری از خانواده‌ها نگرش‌های متفاوتی نسبت به مشارکت زنان در فعّالیّت‌های اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده‌اند. با این حال، هم‌چنان تفاوت‌هایی در میزان مشارکت زنان در فعّالیّت‌های اجتماعی و فرهنگی در بین طبقات و بخش‌های مختلف جامعه مشاهده می‌شود. علاوه بر این، میزان بالای برخی از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در بین زنان این استان مانند خودکشی که بر اساس برخی از تحقیقات صورت‌گرفته متأثّر از انزوای اجتماعی و افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی است، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با مشارکت زنان در فعّالیّت‌های اجتماعی و فرهنگی و از جمله مشارکت در ورزش ارتباط دارد.

تاکنون ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی (برای مثال منابع قابل دسترس از طریق ارتباطات اجتماعی) و فعّالیّت فیزیکی، کم‌تر شناخته شده است (جونز و مور[1]، ۲۰۱۲: ۱۳۶۲). البتّه این موضوع از حدود بیست سال قبل تاکنون تقریباً به‌طور فزاینده‌ای مورد توجّه محقّقان جامعه‌شناسی ورزش قرار گرفته است (پرکس[2]، ۲۰۰۷: ۳۷۹). سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان منبعی که افراد،

[1] Jones & Moore
[2] perks

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گروه‌ها و جوامع ممکن است آن را برای نیل به نتایج مطلوب به‌کار گیرند، قلمداد می‌گردد و آن مفهومی است که در بسیاری از موارد توسّط تحلیلگران اجتماعی برای توصیف طیف وسیعی از فرایندهای اجتماعی به‌کار برده می‌شود و به درک این پرسش که چرا برخی از افراد، گروه‌ها و طبقات مردم به نتایج سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی مثبت‌تری نسبت به دیگران نائل می‌شوند، منجر می‌گردد (اندیشمند، ۱۳۸۸: ۱۰).

سرمایه‌ی اجتماعی یکی از عوامل محیطی تعیین‌کننده‌ی سطح سازگاری و سلامت جامعه محسوب می‌شود؛ عمدتاً به این دلیل که فعّالیّت‌ها و تحرّک اجتماعی در مقایسه با فعّالیّت‌هایی که در انزوای اجتماعی قرار دارند، فعّالیت بدنی بیش‌تری را می‌طلبند. از نظر بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی شامل روابط بین فردی در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به موفّقیّت‌ها، فرصت‌ها، اطّلاعات، منابع مادی و موقعیّت‌های اجتماعی را برای افراد امکان‌پذیر می‌سازد. هم‌چنین از دیدگاه فوکویاما، سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در نظام اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای گروه یا جامعه و نیز باعث کاهش سطح هزینه‌ی مبادلات و ارتباطات می‌شود (پارسامهر و ترکان، ۱۳۹۱: ۷۰-۷۱). بنابراین، به‌نظر می‌رسد سرمایه‌ی اجتماعی علاوه بر تأثیرات مثبت بر مشارکت ورزشی، هزینه‌های اجتماعی مشارکت زنان در ورزش را کاهش می‌دهد. با این توضیحات، در تحقیق حاضر درصدد بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلّفه‌های آن با مشارکت ورزشی در بین زنان استان ایلام هستیم.

پیشینه‌ی تجربی پژوهش

برخی از محقّقان علوم اجتماعی در بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت ورزشی، به نقش ورزش در شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته‌اند. برخی دیگر، نقش سرمایه‌ی اجتماعی را در افزایش مشارکت ورزشی مورد بررسی قرار داده و دسته سوم نیز به رابطه‌ی دوسویه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت ورزشی توجّه کرده‌اند.

رحمانی فیروزجاه و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی افراد ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معناداری وجود دارد و مقایسه‌ی میانگین‌ها نشان می‌دهد که این تفاوت به نفع ورزشکاران است. احمدی و کارگر (۱۳۹۰) معتقدند که نگرش زنان به مشارکت ورزشی در سطح پایینی قرار دارد. امّا نتایج تحلیلی نشان داده که اعتماد اجتماعی بر مشارکت ورزشی اثرگذار است. هم‌چنین متغیّرهای جمعیّتی، سن، تأهّل و تحصیلات، دارای رابطه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

معناداری با نگرش زنان نسبت به مشارکت ورزشی هستند. تبیین متغیّر وابسته برحسب مجموع متغیّرهای مستقل بیانگر آن است که دو متغیّر سن و اعتماد نهادی به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها هستند و ٦٩ درصد از تغییرات متغیّر وابسته را تبیین می‌کنند.

بر پایه‌ی تحقیق ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۰)، چگونگی گذران اوقات فراغت بازتابی از سرمایه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه است. میانگین مشارکت زنان در فعّالیّت‌های اوقات فراغت فعّال (۱/۹۱ از ٤) بیش‌تر از مشارکت آن‌ها در فراغت غیرفعّال (۱/۳ از ٤) است. هم‌چنین میزان مشارکت زنان در فعّالیّت‌های فراغتی در جامعه‌ی مورد مطالعه، پایین‌تر از حدّ متوسّط بوده است. نتیجه‌ی رگرسیون خطّی چندمتغیّره نشان داده که از میان سه بعد سرمایه‌ی فرهنگی، دو بعد (سرمایه‌ی فرهنگی عینیّت‌یافته و نهادینه‌شده) دارای تأثیر معناداری بر اوقات فراغت هستند. از دیدگاه عادلخانی و همکاران (۱۳۹۱)، ۸۱/۱ درصد از افراد شرکت‌کننده در فعّالیّت‌های ورزشی دارای سرمایه‌ی فرهنگی متوسّط و کم‌تر هستند و ۱۸/۹ درصد از سرمایه‌ی فرهنگی بالایی برخوردارند. هم‌چنین بین میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان و مردان، تفاوت معناداری وجود ندارد. توسعه‌ی فناوری اطّلاعات و ارتباطات و بهره‌گیری از فناوری‌های نو در آموزش و ترویج فرهنگ ورزش همگانی، برپایی خانه‌ی ورزش در مراکز علمی، مدیریّت واحد و برنامه‌ریزی مدوّن و ایجاد ساختار ملّی برای ورزش همگانی و نیز ترویج فرهنگ مشارکت همگانی در رفع مشکلات شهر و ناهنجاری‌های اجتماعی با ورزش همگانی، از مهم‌ترین سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی است.

نتایج تحقیق پارسامهر و ترکان (۱۳۹۱) حاکی از آن است که متغیّر لذّت بردن از ورزش، کاهش وزن و مهارت در انجام حرکات ورزشی در مرحله‌ی اوّل و سرمایه‌ی اجتماعی در مرحله‌ی دوم توانسته‌اند به ترتیب ١٤/٤ و ٤/٩ درصد از واریانس متغیّر تحت مطالعه را تبیین کنند. نتایج نشان داده که متغیّر سرمایه‌ی اجتماعی بخش زیادی از تغییرات متغیّر مشارکت ورزشی را تبیین نمی‌کند، بنابراین سایر متغیّرها نیز باید مدّنظر قرار گیرند. بر پایه‌ی نتایج پژوهش پارسامهر و همکاران (۱۳۹۲)، متغیّرهای شبکه‌های اجتماعی و احساس امنیّت، بیش‌ترین مقدار از واریانس مشارکت ورزشی را تبیین می‌کنند. این در حالی است که در دانش‌آموزان دختر، تنها متغیّر شبکه‌های اجتماعی بیش‌ترین مقدار از واریانس مشارکت ورزشی را تبیین می‌نماید. علاوه بر این، دانش‌آموزان پسری که به مشارکت اجتماعی علاقه‌ی بیش‌تری نشان می‌دهند، در مقایسه با دانش‌آموزان دختر، توجّه بیش‌تری به فعّالیّت‌های ورزشی دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

به اعتقاد ولی‌زاده و ولی‌زاده (۱۳۹۳)، از آن‌جا که ورزش به‌عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی اجتماعی، عرصه‌ی ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی زندگی امروزی شده است، رابطه‌ی معناداری بین تحصیلات، جنسیّت و مشارکت اجتماعی با انتخاب نوع ورزش وجود دارد. موسوی و همکاران (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که متغیّر اعتماد نهادی و متغیّرهای جمعیّت‌شناختی شامل سن، وضعیّت تأهّل، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات والدین، شغل پدر، مکان سکونت در شهر (ناحیه) و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رابطه‌ی معناداری با مشارکت زنان در فعّالیّت‌های ورزشی داشته‌اند. امّا میزان مشارکت ورزشی زنان در متغیّرهایی چون اعتماد بین شخصی، وضعیّت اشتغال، نوع شغل، درآمد، نوع سکونت، شغل مادر و منطقه‌ی مسکونی، تفاوت معناداری را نشان نداده است. نتایج تحقیق منوچهری‌نژاد و همکاران (۱۳۹٤) حاکی از آن است که روابط درون خانواده و حمایت درون خانواده به ترتیب ۱۳ و ۱۷ درصد از میزان مشارکت ورزشی دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی می‌کنند. هم‌چنین مشارکت اجتماعی و عضویّت در نهادهای داوطلبانه، ۳٤ درصد از مشارکت ورزشی پسران و ۲۵ درصد از مشارکت ورزشی دختران را تبیین می‌نماید.

لیندستروم و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که پایگاه اقتصادی–اجتماعی تأثیر به‌سزایی در میزان مشارکت افراد در فعّالیّت‌های بدنی دارد. هم‌چنین از بین متغیّرهای روانی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌هایی قوی برای تفاوت‌های اجتماعی–اقتصادی در زمینه‌ی فعّالیّت‌های بدنی مرتبط با اوقات فراغت هستند. بر اساس تحقیق تانتز (۲۰۰۵)، ورزش به‌عنوان بخش مهمّی از زندگی در مناطق روستایی استرالیا برای کمک به هویّت اجتماعی، حسّ مکان، تعامل اجتماعی و سلامت در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین مشارکت شهروندان در ورزش به‌طور بالقوّه به ایجاد و نگه‌داری سرمایه‌ی اجتماعی کمک می‌کند. در واقع ورزش، بخش مهمّی از زندگی روستاییان در این مناطق به‌شمار می‌رود و میان این پدیده و برخورداری آن‌ها از سرمایه‌ی اجتماعی، رابطه‌ی معناداری دیده می‌شود. دلانی و کینی (۲۰۰۵) دریافتند که بین مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت در ورزش، هم‌بستگی قوی‌ای وجود دارد.

یافته‌های پژوهش سیپل (۲۰۰٦) نشان داده افرادی که به صورت داوطلبانه در سازمان‌های ورزشی مشارکت دارند، از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند. از نظر او، سرمایه‌ی اجتماعی در ورزش موجب افزایش اعتماد به نفس، گسترش ارتباطات اجتماعی و افزایش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اخلاق‌گرایی می‌شود. به‌عقیده‌ی لیندستروم و همکاران (۲۰۱۱)، ارتباط معناداری بین میزان اعتمادِ (اعتماد تعمیم‌یافته) پایین و میزان فعّالیت بدنی پایین، وجود دارد. آن‌ها نشان دادند زنان و مردانی که میزان فعّالیّت بدنی پایینی داشته‌اند، به افزایش دادن فعّالیّت بدنی خود متمایل بوده‌اند، امّا برای انجام این کار، به حمایت اجتماعی نیاز داشته‌اند. از نظر آن‌ها کسانی که سطح پایین اعتماد را تجربه می‌کردند، نسبت به کسانی که تحت حمایت گروه‌های مرجع قرار داشتند، از میزان فعّالیّت بدنی پایینی برخوردار بوده‌اند.

مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش

مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی از جمله مفاهیم مدرنی است که در گفتمان علوم اجتماعی معاصر در سطوح مختلف استفاده شده است. هرچند این مفهوم پیشینه‌ای طولانی ندارد، امّا کاربرد آن به‌تدریج از دهه‌ی ۱۹۹۰ به این سو در پایان‌نامه‌ها و مقالات دانشگاهی با کارهای افرادی چون کلمن[۱]، بوردیو[۲]، پاتنام[۳] و فوکویاما[۴] افزایش یافته است (وال و همکاران[۵]، ۱۹۹۸: ۲۵۹).

ایده‌ی محوری سرمایه‌ی اجتماعی در واژه‌ی روابط خلاصه می‌شود. اعضای جامعه با برقراری تماس با همدیگر و پایدار ساختن آن‌ها قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و به این طریق چیزهایی را کسب می‌کنند که به‌تنهایی قادر به کسب آن‌ها نبودند (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۰). روابط اجتماعی، هسته‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌گردد و موجب می‌شود کنش‌گران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. همه‌ی افراد در جامعه به نوعی در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران هستند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف سرعت دهند (میکا[۶]، ۲۰۰۷: ۲۹)؛ به‌عبارت دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی عبارت است از هنجارها و شبکه‌هایی که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌سازد (تاجبخش و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵۶). یا به تعبیر تانتز (۲۰۰۵)، همچون یک بافت یا چسب[۷] اجتماعی است که افراد را به هم متّصل می‌کند.

[1] Coleman
[2] Bourdieu
[3] Putnam
[4] Fukuyama
[5] Wall et al
[6] mika
[7] glue

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در سال ۲۰۰۰ میلادی سمینار ساگوارو[1] با استناد به پژوهش‌هایی در حوزه‌ی اقتصاد، روان‌شناسی، اپیدمیولوژی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، استدلال کرد که سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر مهمّی در سلامت اجتماعی افراد و سازمان‌ها دارد (نیکولسون و هوی[2]، ۲۰۰۸: ۲). بنابراین، سرمایه‌ی اجتماعی علاوه بر تأثیرات مثبت بر مشارکت ورزشی، هزینه‌های اجتماعی مشارکت زنان را در ورزش کاهش می‌دهد.

نخستین توضیح و تفسیر یکپارچه از این مفهوم توسّط پیر بوردیو در سال ۱۹۷۲ انجام شد (پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۱۰). از نظر وی، سه شکل اصلی سرمایه عبارتند از: ۱. سرمایه‌ی اقتصادی که به صورت خودکار قابل تبدیل به پول و اشکال قانونی حقوق مالکیّت است؛ ۲. سرمایه‌ی فرهنگی به‌عنوان شکلی از سرمایه که اغلب تحت شرایط خاصّی قابل تبدیل به سرمایه‌ی اقتصادی است و غالباً در اشکالی از صلاحیّت‌های آموزشی و الزامات مدرسه نهادینه شده است؛ ۳. از همه مهم‌تر، سرمایه‌ی اجتماعی که عبارت است از مجموع منابع بالفعل و بالقوّه‌ای که با در اختیار داشتن یک شبکه‌ی پایدار از روابط متقابل کم‌وبیش نهادینه شده یا به رسمیّت شناختن متقابل، مرتبط است (اسکینر و زاکوس[3]، ۲۰۰۸: ۲۵۷). البتّه سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم وجود چیزی بیش از وجود شبکه‌ی پیوندهاست. در واقع، پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصّی باشد؛ یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۱). بنابراین در تعریف بوردیو، تأکید بر شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به منابع گروهی را فراهم می‌کند.

کلمن سرمایه‌ی اجتماعی را نه با آن‌چه که هست، بلکه با آن‌چه که به‌وجود می‌آورد، تعریف می‌کند و بر این اساس، مفهوم کارکردی سرمایه‌ی اجتماعی را مورد بازبینی قرار می‌دهد. کارکردی که با این مفهوم از سرمایه‌ی اجتماعی شناخته می‌شود، ارزش جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی برای افراد است که می‌توانند از آن به‌عنوان منابعی برای دست‌یابی به خواسته‌های خود استفاده کنند. بر این پایه، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی از دیدگاه کلمن معطوف به تفهیم نقش هنجارها و فرمان‌های درون شبکه‌ای اجتماع می‌شود که منبعی برای نیل به سرمایه‌ی انسانی را به‌وجود می‌آورد (کلمن، ۱۹۸۸: ۱۰۱).

[1] saguaro
[2] Nicholson & Hoy
[3] skinner & zakus

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تمایز بین بوردیو و کلمن از مقایسه‌ی آن‌چه به‌عنوان هدف سرمایه‌ی اجتماعی بررسی کرده‌اند، آشکار می‌شود که برای بوردیو به صورت تضمین سرمایه‌ی اقتصادی و برای کلمن به‌منظور تأمین نیروی انسانی (آموزشی، مهارت‌های شغلی و تخصّصی) است (اسکینر و زاکوس، ۲۰۰۸: ۲۵۸).

مفهوم‌سازی پاتنام از سرمایه‌ی اجتماعی عموماً به سطح اجتماعی و به‌ویژه سطوح مشارکت و اعتمادِ به نمایش گذاشته شده در جامعه (از قبیل خواندن روزنامه‌ها، عضویّت در سازمان‌های داوطلبانه و اعتماد به دولت) اشاره دارد. بنابراین، پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را ویژگی سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی که تسهیل‌کننده‌ی هماهنگی و همکاری برای سود متقابل است، تعریف می‌کند (پرکس، ۲۰۰۷: ۳۷۹). در واقع، وی این مفهوم را برای اشاره به اتّصال‌های بین افراد و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتمادی که در نتیجه‌ی آن‌ها به‌وجود می‌آید، به‌کار برده است.

از نظر پاتنام، اندیشه‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی این است که خانواده، دوستان و همکاران دارایی بسیار مهمّی را تشکیل می‌دهند که فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن‌ها را به‌کار برد، از آن‌ها بهره گیرد و یا برای منافع مادی استفاده کند. از این رو، پاتنام روابط اجتماعی افراد و تعاملات آن‌ها با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه‌ی اجتماعی تعریف می‌کند؛ به‌گونه‌ای که هر نوع فعّالیّت ارتباطی، منجر به کنش متقابل رو در رو بین افراد می‌شود و این مسأله زمینه‌ساز ایجاد اعتماد است. اعتماد، موانع ارتباطی را برطرف می‌سازد و موجب بسیاری از تعاملات مؤثّر می‌شود (براری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱٦۳). پاتنام در کتاب «بولینگ» به‌طور ویژه به رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت ورزشی پرداخته است (پرکس، ۲۰۰۷: ۳۸۰).

فوکویاما نیز مانند پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را در سطح کلان مورد بررسی قرار داده است. او برخلاف دیگر نظریّه‌پردازان صرفاً بر خصلت سرمایه‌ی اجتماعی تأکید کرده و آن را به‌منزله‌ی دارایی گروه‌ها و جوامع تلقّی نموده است. فوکویاما سرمایه‌ی اجتماعی را در ارتباط با هنجارهای اجتماعی تعریف می‌کند و معتقد است می‌توان سرمایه‌ی اجتماعی را به‌سادگی مجموعه‌ی معیّنی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آن‌ها مجاز است، در آن سهیم هستند. البتّه صرفِ وجود هنجارهای اجتماعی جاافتاده، سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل نمی‌دهد، بلکه آن‌ها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شوند؛ بنابراین با ارزش‌های معنوی سنّتی نظیر صداقت، پای‌بندی به تعهّدات، عملکرد قابل اطمینان در انجام

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

وظایف، رابطه‌ی متقابل و مانند آن مرتبط هستند. در یک نگاه کلّی، از دیدگاه فوکویاما مهم‌ترین منبع سرمایه‌ی اجتماعی، خانواده و هنجارهای اجتماعی است (موسوی و شیانی، ۱۳۹٤: ٤۹-۵۰).

مقایسه‌ی دیدگاه بوردیو، پاتنام و کسانی که پس از او مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند، نشان می‌دهد که بوردیو سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعی از منابع واقعی و بالقوّه‌ای تعریف می‌کند که با در اختیار داشتن یک شبکه‌ی بادوام از روابط کم‌وبیش نهادینه از شناخت متقابل و به رسمیّت شناختن، مرتبط است. پس از وی محقّقان در تعاریف خود، روابط اجتماعی و منابعی را که از این روابط اجتماعی به‌دست می‌آید، برجسته کردند. از نظر بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی، با اندازه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی و حجم دیگر اشکال سرمایه‌ی در دسترس از طریق شبکه مرتبط است، امّا پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و قابلیّت اعتماد حاصل از آن‌ها تعریف می‌کند (نیکولسون و هوی، ۲۰۰۸: ۲-۳).

به‌طور کلّی می‌توان گفت از نظر پاتنام، کلمن، بوردیو و فوکویاما، اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها مهم‌ترین مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی هستند. اعتماد موجب افزایش کیفیّت تعاملات، هنجارها موجب پایداری و شبکه‌ها نیز موجب گسترش ارتباطات و آسان شدن گردش اطّلاعات می‌شوند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ٦). در ادامه به برخی از مهم‌ترین مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی اشاره می‌گردد.

اعتماد اجتماعی زیربنای نظم جامعه است و نه تنها موجب پای‌بندی به اصول مشترک و پیش‌بینی‌پذیری الگوهای رفتاری می‌شود، بلکه در تقویت هم‌بستگی و انسجام اجتماعی مؤثّر است. اعتماد، «باوری قوی به اعتبار، صداقت و توان یک فرد، انتظاری مطمئن و اتّکا به یک ادّعا یا اظهارنظر بدون آزمون کردن آن است» (لیون[1]، ۲۰۰۲: ٦٦٤). به بیانی، اعتماد عبارت است از اطمینان به دیگران با وجود امکان فرصت‌طلبی، عدم قطعیّت و مخاطره‌آمیز بودن آن‌ها (میسزتال[2]، ۱۹۹٦: ۱۸). اعتماد در متن کنش‌های انسان نمود می‌یابد؛ به‌ویژه در آن دسته از کنش‌ها که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند و آن نوعی رابطه‌ی کیفی است که به تعبیر کلمن، «قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند» (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

[1] Lyon
[2] Misztal

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اعتماد تسهیل‌کننده‌ی مبادلات در فضای اجتماعی است؛ هزینه‌ی مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند؛ برای حلّ مسائل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و عنصر پیش‌قراردادی و مقوّم حیات اجتماعی است. به تعبیری، مفاهیم مربوط به اعتماد به‌طور بالقوّه روابط اجتماعی را توصیف می‌کند که دربردارنده‌ی تمایزات افقی بین حوزه‌های مربوط به فضای عمومی و شخصی است.

به نظر آلموند و وربا[1]، اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲٤). زتومکا[2] (۱۹۹۹: ٦۷) نیز اعتماد را نوعی شرط‌بندی نسبت به کنش‌های محتمل دیگران در آینده می‌داند. اعتماد اجتماعی بر انتظارات و تعهّدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعیِ خود دارند، دلالت دارد و با رابطه‌ی متقابل تعمیم‌یافته قرین است.

از دیدگاه مور و جونز (۲۰۱۲)، تحقیقات کنونی درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و فعّالیّت یا عدم فعّالیّت فیزیکی عمدتاً بر اساس مقیاس‌های اعتماد و مشارکت اجتماعی بوده است. اعتماد اجتماعی به‌عنوان مفهومی مرتبط با مقوله‌ی مکانیسم‌های روانی اجتماعی شناسایی شده است. مشارکت اجتماعی نیز به‌عنوان جنبه‌ای ساختاری و رفتاری از سرمایه‌ی اجتماعی شناسایی شده که گسترش شبکه‌ی اجتماعی شخص و احساس انسجام اجتماعی را تسهیل می‌کند. به عقیده‌ی لیندستروم و همکاران (۲۰۰۱) نیز مشارکت اجتماعی یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها در زمینه‌ی فعّالیّت‌های بدنی مرتبط با اوقات فراغت است و در این باره که شخص تا چه حد فعّالانه در فعّالیّت‌های گروه‌های رسمی و غیررسمی در اجتماع مشارکت دارد، توضیح می‌دهد.

از نظر سیپل (۲۰۰٦) در بررسی علل مشارکت ورزشی، در گام اوّل روابط اجتماعی به‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی، اطّلاعات لازم را برای افراد درگیر فراهم می‌کند. سپس عضویّت سازمانی منجر به کسب دانش بیش‌تر توسّط اعضا و توسعه‌ی تعهّدات قوی‌تر نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی می‌شود (روابط اجتماعی و عضویّت سازمانی).

پاتنام (۱۹۹۸) دو نوع شبکه‌ی غیررسمی و رسمی (یا چیزی که او تعهّد مدنی می‌نامد) را از هم متمایز کرد. از دیدگاه فینچ و ماسون[3] (۱۹۹۳)، پیوندهای غیررسمی شامل پیوندهایی است که بین خانواده، خویشاوندان، دوستان و همسایگان وجود دارد، در حالی‌که پیوندهای رسمی

[1] Almond & Verba
[2] Sztompka
[3] Finch & mason

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دربردارنده‌ی پیوندهای موجود در اجتماعات داوطلبانه است. شبکه‌های غیررسمی به دو بخش شبکه‌های درون خانواده و شبکه‌های ماورای خانواده تقسیم می‌شود. اجتماعات غیررسمی ماورای خانواده و خویشاوندان شامل روابط دوستانه و صمیمی و نیز پیوندهای میان همسایگان است.

شبکه‌های اجتماعی، مجرایی برای طیف وسیعی از نتایجی (مانند افزایش اعتماد) است که خود ممکن است به نتایج بیش‌تر (حمایت عاطفی، فیزیکی یا مالی مورد نیاز) منجر شود (نیکولسون و هوی، ۲۰۰۸: ۵). از دیدگاه لیندستروم و همکاران (۲۰۰۱)، یکی از عوامل اثرگذار بر مشارکت ورزشی، شبکه‌های اجتماعی است که به جنبه‌های ساختاری از شبکه‌ی ارتباطات اجتماعی یک شخص اطلاق می‌شود و منفعت آن، پشتیبانی اجتماعی‌ای است که برای فرد فراهم می‌آورد و در واقع، منابع مختلفی است که برای شخص تأمین می‌کند. روابط اجتماعی، هسته‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌گردد و موجب می‌شود کنش‌گران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خویش را در جامعه تسهیل کنند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. همه‌ی افراد در جامعه به نوعی در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران هستند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف سرعت دهند (میکا، ۲۰۰۷: ۲۹).

در جمع‌بندی نهایی و بر اساس چارچوب نظری تحقیق، ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی شامل مشارکت اجتماعی (شبکه‌ی روابط و عضویّت سازمانی) و اعتماد اجتماعی (بین شخصی، تعمیم‌یافته و مدنی و نهادی) است. بنابراین بر پایه‌ی چارچوب نظری و تجربی تحقیق، فرضیّه‌ها و مدل تحلیلی به شرح زیر استخراج می‌شود:

۱. به‌نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

– به‌نظر می‌رسد بین اعتماد بین شخصی و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

– به‌نظر می‌رسد بین اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

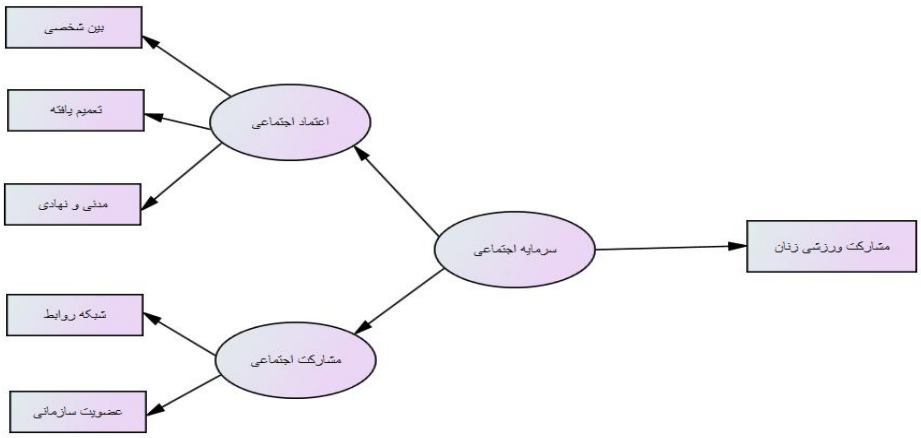
– به‌نظر می‌رسد بین اعتماد مدنی و نهادی و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۲. به‌نظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

– به‌نظر می‌رسد بین عضویّت سازمانی و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

– به‌نظر می‌رسد بین شبکه‌ی روابط اجتماعی زنان و مشارکت ورزشی آن‌ها، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



مدل شماره‌ی یک- مدل تحلیلی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با شیوه‌ی پیمایشی انجام شده و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه بوده است. داده‌های به‌دست آمده پس از کدگذاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 23 و Amos 21 تجزیه و تحلیل شدند. بدین صورت که برای آزمون فرضیّه‌ها با توجّه به سطح سنجش داده‌ها و نوع فرضیّه (رابطه‌ای) از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است. هم‌چنین به منظور سنجش تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلّفه‌های آن بر متغیّر وابسته‌ی تحقیق و البتّه برازش مدل، از مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos بهره گرفته شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل زنان ۱۹ سال و بالاتر استان ایلام است. جمعیّت این استان در سرشماری سال ۱۳۹۰، ۵۵۷۵۹۹ نفر بوده است که از این تعداد، ۲۷۵۱۳۱ نفر زن بوده‌اند. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۵۰۰ آزمودنی انتخاب شدند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا جامعه‌ی آماری به دو خوشه‌ی اصلی (شهرستان‌های ایلام و دره‌شهر) و سپس هریک از این شهرستان‌ها به ۱۰ بلوک (٦ بلوک شهری و ٤ بلوک روستایی) تقسیم گردیدند و در نهایت از درون این بلوک‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، اطّلاعات لازم جمع‌آوری شد.

برای سنجش متغیّر مشارکت ورزشی (اعمّ از فعّالیّت‌های ورزشی همگانی و حرفه‌ای) از دو روش مکمّل استفاده شده است. در ابتدا، پرسش‌نامه‌ی تعدیل‌شده‌ی IPAQ مورد استفاده قرار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گرفت. بدین صورت که از افراد خواسته شد که مشخّص کنند در طی هفته چند روز و در هر روز چند دقیقه ورزش می‌کنند. نمره‌ی مشارکت ورزشی هر فرد حاصل‌ضرب تعداد روز در تعداد دقیقه‌های مشارکت در فعّالیّت‌های بدنی هر روز بوده است. هم‌چنین با تهیّه‌ی لیستی از ورزش‌های رایج در جامعه‌ی آماری مورد نظر، از آن‌ها خواسته شد که وضعیّت مشارکت خود را در این رشته‌های ورزشی مشخّص کنند. در نهایت، زمان‌های صرف‌شده در هر رشته‌ی ورزشی در طی هفته جمع شده و مجموع آن، زمان صرف‌شده‌ی مشارکت ورزشی فرد را تشکیل داده است. علاوه بر این، محقّقان زمان صرف‌شده در فعّالیّت‌های ورزشی سازمان‌یافته و سایر فعّالیّت‌های بدنی نظیر پیاده‌روی، ورزش و نرمش در خانه، ورزش در پارک‌ها و ... را از یکدیگر تفکیک کردند و مورد سنجش قرار دادند.

برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی بر مبنای پیشینه‌ی تجربی و چارچوب نظری تحقیق، از دو متغیّر اعتماد اجتماعی (بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی و مدنی) و مشارکت اجتماعی (عضویّت سازمانی و شبکه‌ی روابط) به‌عنوان دو مؤلّفه‌ی اصلی آن، استفاده شده است. به منظور سنجش متغیّر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی و مدنی)، سؤالات تعدیل‌شده‌ی پیمایش اجتماعی عمومی در آمریکا که توسّط انگلهارت طرّاحی شده، مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر این، با توجّه به این که در تحقیقات متعدّدی (جونز و مور، ۲۰۱۲؛ سیپل، ۲۰۰۶؛ لیندستروم، ۲۰۰۱)، به عضویّت سازمانی و شبکه‌ی روابط به‌عنوان دو بعد اصلی مشارکت اجتماعی در تبیین مشارکت ورزشی اشاره شده، در این تحقیق نیز از همین شیوه برای سنجش مشارکت اجتماعی استفاده شده است.

از آن‌جا که متغیّرهای تحقیق بر اساس مرور نظری و تجربی موضوع استخراج شده و از پشتوانه‌ی تئوریک برخوردارند، این پژوهش دارای اعتبار نظری است. هم‌چنین برای سنجش قابلیّت اعتماد، پرسش‌نامه‌ی تحقیق در میان ٤٠ نفر از افراد جامعه‌ی آماریِ مورد نظر به‌طور تصادفی توزیع شد. با توجّه به این که میزان آلفای کرونباخ برای همه‌ی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی بالاتر از ۰/۷۰ است، از پایایی لازم برخوردار است. البتّه متغیّر مشارکت ورزشی به‌عنوان یک متغیّر مشاهده شده، مورد محاسبه و سنجش قرار گرفته و چون در پژوهش‌های متعدّد (برگر و ریلی، ۲۰۰۸؛ اسلیتر و تیگمان، ۲۰۱۱؛ ریس و سابیا، ۲۰۱۰؛ پی فیفر و همکاران، ۲۰۰٦؛ پاستور و همکاران، ۲۰۰۳؛ مور و چادلی، ۲۰۰۵؛ لیندستروم، ۲۰۰۱؛ جونز و مور، ۲۰۱۲) برای سنجش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مشارکت ورزشی از همین شیوه با تغییراتی جزئی استفاده شده و پرسش‌نامه‌ای استاندارد و بین‌المللی است، از قابلیّت اعتماد برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیّت‌شناختی و یافته‌های توصیفی

میانگین سنّی نمونه‌ی تحقیق ۳٤/۵ و دامنه‌ی سنّی آن‌ها از ۱۹ تا ۷۰ سال بوده است. افراد مجرّد ۱۷۳ نفر، افراد متأهّل ۳۱۵ نفر و افراد بدون همسر نیز ۱۲ نفر بوده‌اند. از نظر شغلی، ۲۳۲ نفر از پاسخ‌گویان خانه‌دار و ۸٤ نفر دانشجو بوده و ٦٦ نفر در بخش غیردولتی و ۱۱۸ نفر در بخش دولتی اشتغال داشته‌اند. هم‌چنین از نظر تحصیلی، ۹ نفر بی‌سواد، ۲۱ نفر دارای تحصیلات ابتدایی، ۳۲ نفر دارای تحصیلات راهنمایی تا سیکل، ۱۱٤ نفر دارای دیپلم، ۵۰ نفر دارای تحصیلات کاردانی، ۲۱۱ نفر دارای تحصیلات کارشناسی، ٥٦ نفر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترای عمومی و ۷ نفر نیز دارای تحصیلات دکترای تخصّصی بوده‌اند.

از مجموع ۵۰۰ پاسخ‌گو، برحسب مکان فعّالیّت ورزشی، ۱۷۵ نفر در خانه، ۹۵ نفر در پارک و فضای سبز شهری، ۱٦۰ نفر در کوه و طبیعت و فقط ۹٦ نفر در سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی فعّالیّت می‌کنند. میانگین مشارکت ورزشی زنان استان ایلام ۱۲۵ دقیقه در هفته بوده و دامنه‌ی آن برای افراد ورزشکار بین ۱۰ تا ٦۰۰ دقیقه نوسان داشته است.

زنان استان ایلام به ترتیب در رشته‌های ورزشی پیاده‌روی (۳۱۰ نفر)، نرمش و حرکات کششی در منزل (۱۲۳ نفر)، کوهنوردی (۹۵ نفر)، آمادگی جسمانی شامل ایروبیک، فیتنس و ... (٦۲ نفر)، شنا (٤۳ نفر)، والیبال (۳۲ نفر)، بدمینتون (۱۹ نفر)، ورزش با تردمیل (۱۷ نفر)، فوتسال (۱۲ نفر) و یوگا (۱۰ نفر) مشارکت دارند. نتایج نشان‌دهنده‌ی مشارکت بیش‌تر زنان در فعّالیّت‌های ورزش همگانی و ورزش‌های کم‌هزینه‌تر است. با تقسیم‌بندی انواع ورزش‌ها و برحسب میزان مشارکت ورزشی زنان، نتایج زیر حاصل شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی یک- میزان مشارکت ورزشی برحسب نوع و هدف ورزش

ردیف	میزان مشارکت ورزشی / انواع ورزش بر مبنای هدف	فراوانی	درصد	درصد تجمّعی
۱	عدم مشارکت ورزشی (کم‌تر از ۱۰ دقیقه در هفته)	۱۳۰	۲۶	۲۶
۲	فعّالیّت بدنی خیلی کم و نامنظّم (۳۰ دقیقه و کم‌تر)	۴۰	۸	۳۴
۳	ورزش تفریحی (۳۱ تا ۶۰ دقیقه، یک جلسه در هفته)	۷۶	۱۵/۲	۴۹/۲
۴	ورزش سلامت‌محور (۶۱ تا ۱۲۰ دقیقه، دو جلسه در هفته)	۸۵	۱۷	۶۶/۲
۵	ورزش منظّم (۱۲۱ تا ۲۴۰ دقیقه، ۳ تا ۴ جلسه در هفته)	۹۴	۱۸/۸	۸۵
۶	ورزش حرفه‌ای (۲۴۱ دقیقه و بیش‌تر، بیش از ۴ جلسه در هفته)	۷۵	۱۵	۱۰۰

همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد ۴۹/۲ درصد از زنان یعنی تقریباً نیمی از آن‌ها یا ورزش نمی‌کنند و یا به صورت نامنظّم و تفریحی به ورزش می‌پردازند. ۱۷ درصد از زنان با هدف سلامتی و بین ۶۱ تا ۱۲۰ دقیقه در هفته (تقریباً معادل دو جلسه در هفته) به فعّالیّت ورزشی می‌پردازند و ۳۳/۸ درصد (تقریباً معادل یک‌سوم نمونه‌ی آماری) نیز به صورت منظّم یا حرفه‌ای، مشارکت ورزشی دارند.

نتایج تحلیلی

جدول شماره‌ی دو- ضریب هم‌بستگی اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و ابعاد آن با مشارکت ورزشی زنان

متغیّرهای مستقل	ضریب هم‌بستگی پیرسون	سطح معناداری	تأیید یا رد فرضیّه
اعتماد بین شخصی	۰/۴۱۱	۰/۰۰۰	فرضیّه‌ی فرعی اوّل تأیید شد.
اعتماد تعمیم‌یافته	۰/۶۰۵	۰/۰۰۰	فرضیّه‌ی فرعی دوم تأیید شد.
اعتماد مدنی و نهادی	۰/۴۴۹	۰/۰۰۰	فرضیّه‌ی فرعی سوم تأیید شد.
اعتماد اجتماعی	۰/۶۰۵	۰/۰۰۰	فرضیّه‌ی اصلی اوّل تأیید شد.
عضویّت سازمانی	۰/۴۳۳	۰/۰۰۰	فرضیّه‌ی فرعی چهارم تأیید شد.
شبکه‌ی روابط اجتماعی	۰/۴۱۴	۰/۰۰۰	فرضیّه‌ی فرعی پنجم تأیید شد.
مشارکت اجتماعی	۰/۵۱۸	۰/۰۰۰	فرضیّه‌ی اصلی دوم تأیید شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

همان‌گونه که نتایج جدول شماره‌ی دو نشان می‌دهد، فرضیّه‌های تحقیق مبنی بر رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (بین شخصی، تعمیم‌یافته و مدنی و نهادی) و نیز رابطه‌ی مشارکت اجتماعی و ابعاد آن (عضویّت سازمانی و شبکه‌ی روابط اجتماعی) با مشارکت ورزشی زنان به اثبات رسیده است. در ادامه تفسیر روابط بین متغیّرهای مستقل و وابسته و نتایج حاصل از آزمون فرضیّه‌ها ارائه می‌شود.

ضریب هم‌بستگی به‌دست آمده (r=۰/٤۱۱) بین دو متغیّر اعتماد بین شخصی و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی مثبت، متوسّط رو به پایین و معناداری را نشان می‌دهد؛ یعنی، هرچه اعتماد بین شخصی زنان بیش‌تر باشد، مشارکت ورزشی افزایش می‌یابد.

ضریب هم‌بستگی پیرسون (r=۰/٦۰۵) بین اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی مثبت، متوسّط رو به بالا و معناداری را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که هرچه اعتماد تعمیم‌یافته‌ی زنان افزایش یابد، بر میزان مشارکت ورزشی آن‌ها نیز افزوده خواهد شد.

ضریب هم‌بستگی پیرسون (r=۰/٤٤۹) بین اعتماد مدنی و نهادی و مشارکت ورزشی زنان بیانگر رابطه‌ی مثبت، متوسّط رو به پایین و معناداری بین این دو متغیّر است. بدین ترتیب انتظار می‌رود با افزایش اعتماد مدنی و نهادی زنان، مشارکت ورزشی آن‌ها نیز افزایش یابد.

نتایج مربوط به آزمون فرضیّه‌های فرعی و ضریب هم‌بستگی بین ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان نشان می‌دهد که به ترتیب اعتماد تعمیم‌یافته، مدنی و نهادی و بین شخصی بیش‌ترین رابطه را با مشارکت ورزشی زنان دارند.

علاوه بر این، ضریب هم‌بستگی پیرسون بین متغیّر اصلی اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی، ۰/٦۰۵ و دارای سطح معناداری بسیار بالایی (P=۰/۰۰۰) است. چون این رقم مثبت است، وجود رابطه‌ی مستقیم میان این دو متغیّر را نشان می‌دهد؛ یعنی، هرچه میزان اعتماد اجتماعی بالا رود، مشارکت ورزشی زنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیّه‌ی اوّل مبنی بر وجود رابطه‌ی مثبت بین دو متغیّر، پذیرفته می‌شود.

ضریب هم‌بستگی به‌دست آمده (r=۰/٤۳۳) بین دو متغیّر عضویّت سازمانی و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی مثبت، متوسّط رو به پایین و معناداری را نشان می‌دهد؛ یعنی، هرچه عضویّت سازمانی زنان بیش‌تر باشد، مشارکت ورزشی افزایش می‌یابد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ضریب هم‌بستگی پیرسون (r=۰/٤١٤) بین شبکه‌ی روابط اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان، رابطه‌ی مثبت، متوسّط رو به پایین و معناداری را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که هرچه شبکه‌ی روابط اجتماعی زنان افزایش یابد، بر میزان مشارکت ورزشی آن‌ها نیز افزوده خواهد شد.

نتایج ضریب هم‌بستگی بین ابعاد مشارکت اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان نشان می‌دهد که به ترتیب شبکه‌ی عضویّت سازمانی و روابط اجتماعی بیش‌ترین رابطه را با مشارکت ورزشی زنان دارند.

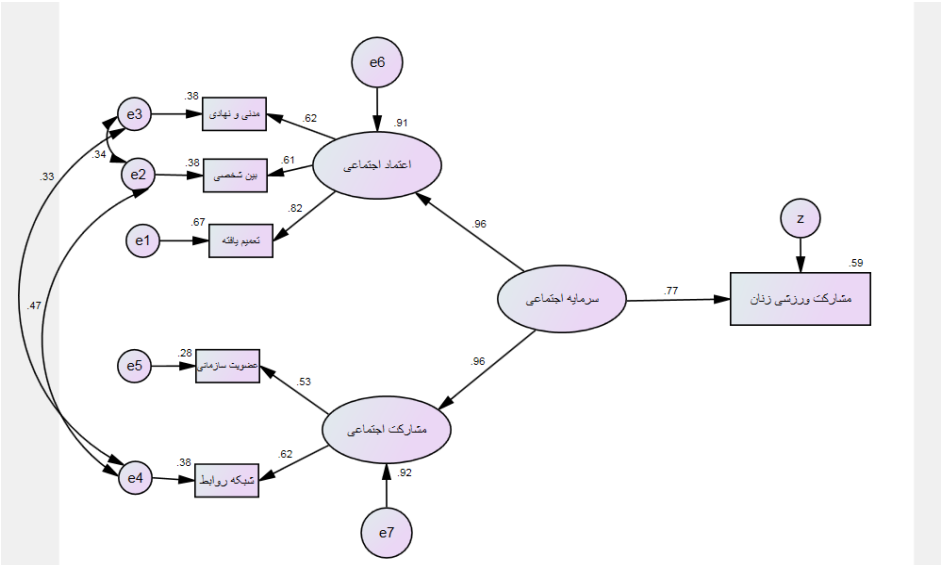
علاوه بر این، ضریب هم‌بستگی پیرسون بین متغیّر اصلی مشارکت اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان، ۰/۵۱۸ و دارای سطح معناداری بسیار بالایی (P=۰/۰۰۰) است. چون این رقم مثبت است، وجود رابطه‌ی مستقیم میان این دو متغیّر را نشان می‌دهد؛ یعنی، هرچه میزان مشارکت اجتماعی بالا رود، مشارکت ورزشی زنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیّه‌ی دوم مبنی بر وجود رابطه‌ی مثبت بین دو متغیّر پذیرفته می‌شود.

آزمون مدل تحقیق

در ادامه و پس از آزمون فرضیّه‌های اصلی و فرعی تحقیق، به منظور آزمون مدل تجربی تحقیق (مجموع متغیّرهای مستقل اثرگذار بر متغیّر وابسته) که در آن نحوه‌ی اندازه‌گیری و تأثیر متغیّر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت ورزشی زنان نشان داده می‌شود، از مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری و نرم‌افزار Amos استفاده شده است. همان‌گونه که در مدل تحقیق (مدل شماره‌ی دو) مشاهده می‌شود، میزان رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلّفه‌های آن (شامل اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) با مشارکت ورزشی زنان، ضریب بتا=۰/۷۷ است؛ به‌عبارتی، متغیّر سرمایه‌ی اجتماعی تا ۰/۵۹ از واریانس مشارکت ورزشی زنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بدین معنا که با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی زنان، میزان مشارکت ورزشی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

پس از آزمون فرضیّه‌ها، مدل پیشنهادی تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Amos 21 مورد بررسی قرار گرفت و با توجّه به این که معیارهای تناسب و برازش مدل در حدّ قابل قبولی نبودند، اصلاحات لازم در مدل انجام شد. پس از آن، نتایج برازش که در جدول شماره‌ی سه ارائه شده، نشان می‌دهد که مدل از کیفیّت لازم برای تبیین مشارکت ورزشی زنان برخوردار است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود اکثر شاخص‌ها، با توجّه به حدّ قابل قبول آن، برازش مدل را مورد تأیید قرار می‌دهند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



مدل شماره‌ی دو- مدل تجربی تحقیق

از آن‌جا که برازش مدل به‌طور منطقی با داده‌ها مورد اثبات قرار گرفته، معناداری روابط بین متغیّرها نیز ارزیابی شده است و با توجّه به این که p value به‌دست آمده کم‌تر از ۰/۰۵ است، تأثیر معنادار سرمایه‌ی اجتماعی را بر مشارکت ورزشی زنان نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی سه- شاخص‌های برازش

ردیف	شاخص‌های برازش	مقدار	حدّ قابل قبول
۱	GFI شاخص نیکویی برازش	۰/۹۸۹	بالاتر از ۰/۹۰
۲	AGFI شاخص نیکویی اصلاح‌شده	۰/۹٤٤	بالاتر از ۰/۹۰
۳	TLI شاخص توکر لویس	۰/۹۵۷	بالاتر از ۰/۹۰
٤	NFI شاخص برازش هنجار شده یا بنتلر بونت	۰/۹۸۵	بالاتر از ۰/۹۰
۵	CFI شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۸۸	بالاتر از ۰/۹۰
٦	RFI شاخص برازش نسبی	۰/۹٤٤	بالاتر از ۰/۹۰
۷	IFI شاخص برازش افزایشی	۰/۹۸۹	بالاتر از ۰/۹۰
۸	CMIN/DF کای اسکوار هنجار شده	٤/۲	بین ۱ تا ۵
۹	RMSEA ریشه‌ی میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۸	کم‌تر از ۰/۰۸

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بحث و نتیجه‌گیری

در جوامع مختلف بشری، مشارکت ورزشی به‌طور روزافزونی در بین دختران و زنان در حال گسترش است. به دلیل اهمّیّت و جایگاه ورزش در دنیای امروز، این پدیده‌ی اجتماعی همواره مورد توجّه جامعه‌شناسان و محقّقان اجتماعی بوده است. هدف این تحقیق نیز آزمون مدلی بوده که در آن، سرمایه‌ی اجتماعی با دو مؤلّفه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بر مشارکت ورزشی زنان اثرگذار است. نتایج این پژوهش در خصوص رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی، با تحقیقات احمدی و کارگر (۱۳۹۰)، موسوی و همکاران (۱۳۹۳)، سیپل (۲۰۰۶)، لیندستروم (۲۰۱۱) و مور و جونز (۲۰۱۲) هم‌خوانی دارد. هم‌چنین در زمینه‌ی رابطه‌ی مشارکت اجتماعی با مشارکت ورزشی، با نتایج تحقیقات پارسامهر و همکاران (۱۳۹۲)، ولی‌زاده و ولی‌زاده (۱۳۹۳)، منوچهری‌نژاد و همکاران (۱۳۹٤)، لیندستروم و همکاران (۲۰۰۱) و مور و جونز (۲۰۱۲) هم‌سوست. علاوه بر این، تأیید آزمون مدل تحقیق در خصوص تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت ورزشی، با تحقیقات رحمانی فیروزجاه و همکاران (۱۳۹۰)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۰)، عادلخانی و همکاران (۱۳۹۱)، پارسامهر و ترکان (۱۳۹۱)، لیندستروم و همکاران (۲۰۰۱)، تانتز (۲۰۰۵)، دلانی و کینی (۲۰۰۵) و سیپل (۲۰۰٦) هم‌خوانی دارد.

یکی از نکات بسیار مهم در خصوص مقایسه‌ی نتایج تحقیق حاضر با برخی تحقیقات داخلی صورت‌گرفته در این زمینه، آن است که به دلیل انتخاب چارچوب نظری مناسب و طرّاحی مدل تحلیلی مبتنی بر پیشینه‌ی نظری و تجربی تحقیق و در نتیجه، انتخاب مؤلّفه‌هایی از سرمایه‌ی اجتماعی (شامل مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) که قبلاً ارتباط آن‌ها با مشارکت ورزشی و اثرگذاری بر آن به اثبات رسیده، سرمایه‌ی اجتماعی با این مؤلّفه‌ها توانسته است تا ۵۹ درصد از واریانس مشارکت ورزشی زنان را تبیین کند که نسبت به تحقیقات داخلی انجام‌شده در این زمینه بسیار بیش‌تر است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده که ۷٤ درصد (تقریباً معادل سه‌چهارم) از زنان در استان ایلام مشارکت ورزشی دارند. با این توضیح که تنها ۳۳/۸ درصد (یک‌سوم زنان) به صورت منظّم و سازمان‌یافته ورزش می‌کنند. در سال‌های اخیر، فرهنگ ورزش همگانی در این استان به‌ویژه در بین زنان رواج پیدا کرده و علاوه بر حضور پرشمار زنان در باشگاه‌های ورزشی، بسیاری از زنان در قالب پیاده‌روی دسته‌جمعی با هدف زیارت و البتّه ورزش، مسیرهای طولانی را به سمت اماکن متبرّکه طی می‌کنند. علاوه بر این، موقعیّت جغرافیایی استان و طبیعت بکر و کوه‌های سرسبز، این

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

امکان را برای خانواده‌ها فراهم می‌کند که ضمن تفریح، به فعّالیّت‌های بدنی بپردازند؛ به‌گونه‌ای که پیاده‌روی و کوهنوردی دو ورزش پرطرفدار در بین زنان استان ایلام بوده است. در توضیح تأیید فرضیّه‌ی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان در استان ایلام باید گفت که به‌نظر می‌رسد برخورداری از روابط اجتماعی گسترده‌تر، عضویّت در سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی به دلیل دسترسی به اطّلاعات و دانش لازم و نیز تمایل به فعّالیّت‌های جمعی در جامعه، زمینه‌ی لازم را برای مشارکت ورزشی فراهم می‌کند. هم‌چنین با توجّه به بافت سنّتی و حاکمیّت فرهنگ مذهبی در بین زنان این استان، یکی از پیش‌شرط‌های حضور در فعّالیّت‌های ورزشی، داشتن اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف آن به‌خصوص اعتماد تعمیم‌یافته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. ابراهیمی، قربانعلی؛ رازقی، نادر و مسلمی پطرودی، رقیه (۱۳۹۰) «اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثّر بر آن»، **فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره‌ی ٤٤، صص ۷۱-۹۸.

۲. احمدی، حمید و همکاران (۱۳۸۹) «تأثیر انحصارات بر سرمایه‌ی اجتماعی»، **فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره‌ی ۵.

۳. احمدی، سیروس و کارگر، احمد (۱۳۹۰) «بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان در جامعه‌ی شهری ایران»، **سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریّت شهری**، مشهد.

٤. اندیشمند، ویدا (۱۳۸۸) «شناسایی مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در دانشگاه‌ها به منظور ارائه‌ی مدلی جهت ارتقای آن»، **فصلنامه‌ی رهبری و مدیریّت آموزشی**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۸)، صص ۹-۳٤.

۵. براری، مرضیه؛ مطهری اصل، مرضیه و رضوی خراسانی، سیّد جمال (۱۳۹۱) «بررسی تأثیر عضویّت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان سرپرست خانوار»، **فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی زنان**، سال سوم، شماره‌ی ۱، صص ۱۵۷-۱۸۰.

٦. پارسامهر، مهربان؛ بلگوریان، مستانه و سعیدی مدنی، محسن (۱۳۹۲) «بررسی رابطه‌ی بین مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت ورزشی در میان نوجوانان»، **فصلنامه‌ی مدیریّت ورزشی**، شماره‌ی ۱۷، صص ۱۰۹-۱۲۷.

۷. پارسامهر، مهربان و ترکان، رحمت‌اله (۱۳۹۱) «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت در فعّالیّت‌های ورزشی (مطالعه‌ی موردی پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر یزد)»، **فصلنامه‌ی پژوهش پرستاری**، شماره‌ی ۲٦، صص ٦۹-۷۹.

۸. پیراهری، نیر (۱۳۸۸) «سرمایه‌ی اجتماعی در نظریّات جدید»، **پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره-ی ۳.

۹. تاجبخش، کیان؛ ثقفی، مراد و کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۲) «سرمایه‌ی اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۱۰، صص ۱۵۵-۱۹۹.

۱۰. رحمانی فیروزجاه، علی؛ شارع‌پور، محمود و رضایی پاشا، صدیقه (۱۳۹۰) «سنجش تمایز سرمایه‌ی اجتماعی جوانان با محوریّت مشارکت ورزشی»، **فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، سال دوم، شماره‌ی ۲، صص ۳۷-٦۲.

۱۱. عادلخانی، امین؛ واعظ موسوی، سیّد محمدکاظم و فراهانی، ابوالفضل (۱۳۹۱) «سرمایه‌ی فرهنگی شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی (سیاست‌گذاری و راهکارها)»، **فصلنامه‌ی مجلس و راهبرد**، سال نوزدهم، شماره‌ی ٦۹، صص ۵-۳۲.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۲. فیلد، جان (۱۳۸۸) **سرمایه‌ی اجتماعی**، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: کویر.

۱۳. قاسمی، وحید (۱۳۸۹) **مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics**، تهران: جامعه‌شناسان.

۱٤. منوچهری‌نژاد، محسن؛ همّتی‌نژاد، مهرعلی و رحمتی، محمّدمهدی (۱۳۹٤) «رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و مشارکت ورزشی دانش‌آموزان دختر»، **فصلنامه‌ی مدیریّت ورزشی**، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۳، صص ٤٥۷-٤۷۰.

۱۵. موسوی، سیّد جعفر؛ اسلامی مرزنکلاته، محمّدمهدی و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۹۳) «بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان در جامعه‌ی شهری ایران، مطالعه‌ی موردی شهر گرگان»، **مجلّه‌ی آمایش جغرافیای فضا**، سال چهارم، شماره‌ی ۱۱، صص ٤۱-٦۲.

۱٦. موسوی، میرطاهر و شیانی، ملیحه (۱۳۹٤) **سرمایه‌ی اجتماعی و سلامت اجتماعی، مفاهیم و رویکردها**، تهران: آگاه.

۱۷. ولی‌زاده، ابراهیم و ولی‌زاده، عادل (۱۳۹۳) «بررسی رابطه‌ی مشارکت اجتماعی با انتخاب نوع ورزش»، **کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی**.

۱۸. ویس، اتمار (۱۳۸۹) **مبانی جامعه‌شناسی ورزش**، ترجمه‌ی کرامت‌الله راسخ، تهران: نی.

19. Berger, E., Reilly, N (2008) Determinants of sport participation among Canadian adolescents, **sport management Review**, Vol 11, 277-307.

20. Coleman, James (1988) Social ties and susceptibility to the common cold, in Social capital. In Dekker, P. &Uslaner, E (Eds) (2001) **Social capital and participation in evry life**, Rutlege.

21. Delaney, L. &Keaney, E (2005) **Sport and Social Capital in the United Kingdom: Statistical Evidence from National and International Survey Data**. Dublin institute for publicity reaserch(ippr), London- commissioned by the Department of cultural Media and Sport.

22. Jones, H. Moore, S (2012) Network social capital, social participation and physical inactivity in an urban adult population, **social science and medicine**, Vol 74, 1362-1367.

23. Lyon, Fergus (2002) Trust, Network and Norm's: The Creation of Social Capital in Agricultural Economies in Ghana, **World Development**, Vol 28, No 4, pp. 663- 689.

24. Lindstrom, M., Hanson, B., Ostergern, P (2001) socioeconomic differences in leisure-time physical activity: the role of social participation and social capital in shaping health related behaviour, **social science and medicine**, Vol 52, 441-451.

25. Lindström, M (2011) Social capital, desire to increase physical activity and leisure-time physical activity: A population- based study, **Public Health**, Vol 125, 442-447.

26. Misztal, Barbara (1996) **Trust in Modern Societies**, USA, Cambridge Polit Press.

27. Mika, peter (2007) **social network analysis: a handbook**, sage publication, londan thousand oaks, new dehli.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

28. More, M., chudley, E (2005) Sport and physical activity participation and substance use among adolesents, **journal of adolescent health**, Vol 36, 486-493.
29. Nicholson, matthew, Hoy, Russell (2008) **sport and social capital**, Elsevier, London and New York.
30. Pastor,Y., Balaguer, I., Pons, D., Merita, M (2003) testing direct and indirect effects of sports participation on perceived health in Spanish adolescents between 15-18 years of age, **journal of adolescente**, Vol 26, 717-730.
31. Perks, Thomas (2007) Does sport foster social capital? The contribution of sport to a life style of community participation, **sociology of sport journal**, Vol 24, 378-401.
32. Pfeiffer, K., et al (2006) sport participation and physical activity in adolescent females across a four- year period, **journal of adolescent health**, Vol 39, 523-529.
33. Rees, D., Sabia, J (2010) sports participation and academic performance: Evidence from the National longitudinal study of Adolescent Health, **Economics of Education Review**, Vol 29, 751-759.
34. Seipple, O (2006) Sport and Social capital, **Acta Sociological**, Vol 49, No 2, 169-183.
35. Skinner, J. Zakus, D (2008) Development through sport: Building social capital in Disadvantaged communities, **sport management**, Vol 11, 253-275.
36. Slater, A., Tiggemann, M (2011) Gender differences in adolescent sport participation teasing self – objectification and body image concerns, **journal of adolescence**, Vol 34, 455-463.
37. Tonts, M (2005) competitive sport and social capital in rural Australia, **journal of rural studies**, Vol 21, 137-149.
38. Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer (1998) Getting the Gods, on Social Capital, **Rurral Sociology**, 63(2).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]